

## پرهیز از دستگیری‌های تخمینی و نظری



مسئله مهمی است و علی‌القاعده ما باید تبعیت کنیم. می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و خدمت آقای زندی عرض کنم که از برادران نیروی انتظامی مان هم این را تقاضا بکنند اگر شما انجام دادید از ما جلو هستید ما که انجام ندادیم. واقعا به کسی که مسئولیت را می‌دهیم شرح وظایف را باید کامل همراهش بدهیم. کلاتری تا کلاتری هم شاید شرح وظایف فرق کند، یعنی کسی که رئیس یک کلاتری می‌شود باید با دستورالعمل خاصی برود. (آقا شما حوزه کلاتری‌ات این است، اهم جرائم شما اینهاست، اولویت‌های کاری اینهاست) اینها را باید مکتوب بدهد تا مشخص بدانند با چه برنامه‌ای می‌خواهد برود. دادگستری هم همین طور است ما وقتی می‌خواهیم یک رئیس بخش بفرستیم سه یا چهار صفحه کاغذ باید به دستش بدهیم که برنامه‌اش را بداند. الان مجموعه‌هایی که در بدنه ما کار می‌کنند خودشان را باید با شرایط مدیران تنظیم کنند. در وزارتخانه هم همین طور؛ یک وزیر وقتی می‌رود یک مثنی دارد با تعدادی آدم‌های خاص، وقتی که او عوض می‌شود همه چیز عوض می‌شود و برنامه‌ها بر هم می‌ریزد چون سلاخی افراد متفاوت است در حالی که یک سیستم حکومت پشرفته نباید این چنین باشد. باید وقتی هرکسی می‌رود با یک دستورالعمل و اولویت مشخص وجود داشته باشد که آدم‌ها خودشان را با برنامه‌ها تنظیم کنند نه اینکه کشور خودش را تنظیم کند با فرد...

من نگاه کردم دیدم ناپیوست ما نشود را تاپب کرده بود، بشود. این یک چیز عجیبی شد برایم، من در یک مجموعه‌ای کار بکنم که در مکاتباتی که انجام می‌دهیم اگر یک نقطه‌اش بالا و پایین شود آدم کشته می‌شود. یا به مواردی برخورد کردم که بچه‌های کمیته آمدند پیش من و به شدت مصر بودند در یک خانه فساد هست و باید به ما حق ورود به منزل بدهید. من هم بنا به مواعی که در ذهنم بود مقاومت کردم. اجازه ندادم. برایم جا نمی‌افتاد. بعد خود این دوستان آمدند تشکر کردند و گفتند: بررسی کردیم که این زن طرف بوده است. بسیار ممنون که این حق را به ما ندادید و مواردی از این قبیل. لذا می‌خواهم عرض کنم کار تا کار، مسئولیت تا مسئولیت، تأثیر گذاری تا تأثیر گذاری، یک ناپختگی دستگاه قضائی و نیروی انتظامی به راحتی می‌تواند یک شهر را بر هم بریزد و به راحتی کشوری را به چالش بکشاند. به همین جهت است که احتیاط، آموزش، تبیین جزئیات، مشخص کردن روش‌های مبتنی بر شرع و قانون جزو اولویت‌های جدی ماست.

نکته دیگری برایتان عرض کنم و خیلی صریح می‌خواهم برایتان بگویم چون محارم انقلاب هستید و آن اینکه یکی از مشکلاتی که ما با آن مواجه هستیم این است که بخشی از مردم به ما بی‌اعتماد و یا کم‌اعتماد هستند، هم به ما و هم به شما، به مجموعه حاکمیت و مشخصا به دستگاه قضائی و نیروی انتظامی، تلقیشان این است که ما آلوده‌ایم و پول می‌گیریم، رفیق‌بازیم و حق و ناحق می‌کنیم، اگر کسی را داشتی کارت انجام می‌شود، باید رفیقتی پیدا بکنی، اینها که دم از عدالت می‌زنند یک شوخی است، دنبال پست خودشان هستند، اینها فقط پول برایشان اهمیت دارد، باید یک بانددی در نیروی انتظامی و دستگاه قضائی داشته باشید تا کارت راه بیافتد، می‌زنند و با شکنجه اقرار می‌گیرند،

بالاخره پس از فراز و نشیب‌ها، نهایتا احیاء پلیس قضائی به سرانجام نرسید و کماکان نیروی انتظامی با شکل و شمایل رسته قضائی جایگزین آن شد و مقرر گردید که ۸۰۰ نفر از ابواب جمعی نیروی انتظامی به امر مذکور اختصاص یابند که اولین دوره آموزش نیروی معرفی شده در آموزش دادگستری استان تهران آغاز شد. در ابتدای جلسه مذکور رئیس کل محترم دادگستری سخنان قیم و ارزشمندی را ارائه دادند که جایگاه یادداشت سردبیر را در این شماره به مطالب مفید ایشان اختصاص دادیم.

عرض خدا قوت و خسته نباشید دارم به همه همکاران ارجمندمان در نیروی انتظامی و دستگاه قضائی، سرداران عزیز باطنی و شبانی که در خدمتشان هستیم و جناب آقای مرتضوی هم که در اصل میزبان این جلسه هستند که انشاءالله از فرمایشات ایشان هم استفاده خواهیم کرد.

شروع، شروع مبارکی است برای یک کار بزرگ؛ و آن بهتر اجرا کردن عدالت است و به این جهت بزرگ و مبارک است. شما یا به اندازه من و یا بهتر از من برایتان ملموس است که تصویب قانون خوب یک بحث است و اجرای آن یک بحث دیگری است بلکه مهمتر از خود تصویب قانون. ما در کشور شناسید خیلی کمبود قانون نداشته باشیم، آن چیزی که گرفتاری ماست، خوب اجرا نشدن قانون است که ما تا حدودی از آن مطلع هستیم.

نکته‌ای که فکر کردم لازم است که محضرتان عرض کنم بحث امنیت و آموزش است. خیلی خودمانی خدمتتان عرض کنم در دنیای امروز مسائلی وجود دارد که ما بسیار جزئی و کم‌اهمیت تلقی می‌کنیم ولی سایر کشورها برایشان آموزش قائل شدند یعنی می‌خواهیم یک آدمی را بیاوریم در اداره که پذیرایی کند، برای این شخص کلاس می‌گذارند که اول چکار باید بکند، اول از میزبان شروع بشود یا از مهمان، به چه کسی اول سلام کنی و چطور احترام بگذاری. همه چیز را ریز کرده‌اند و تعریف شده است. وقتی که قاعده این است، دین ما هم همین طور بوده است، در دین ما هم به این بحث خیلی اهتمام شده است. من گاهی اوقات فکر می‌کنم وصیت حضرت مولانا (ع) در خصوص شرح وظایفی به این شکل که برای مالک می‌نویسد.

از دانشگاه را دیده‌ام که به راحتی از عبور ممنوع می‌رفت و می‌گفت و می‌خندید و سر حال هم بود. من با او دعوا می‌کردم که اگر جای تو بودم با این ماشین خجالت می‌کشیدم. اینها خواص اند عوام نیستند. آشنایی به آداب اجتماعی، حقوق مردم، حفظ اصول و ضوابط خیلی ربطی به کلاس و علم ندارد. بخشی از آن تربیتی و درونی است و بخشی از آن هم باید در کلاس‌ها گفته بشود.

آخرین عرضم که رفع زحمت کنم، استدعا از همه بزرگواران در خصوص حقوق مردم و حق الناس است، که هم در کار خودتان باید خیلی مورد توجه قرار بگیرد و هم کاری که در ارتباط با ماست؛ دستگیری‌های تخمینی و نظری. بیایم یک تعداد آدم بگیریم که از این تعداد بالاخره مجرم پیدا می‌شود، اینها حق الناس است، اینها عمر حکومت جمهوری اسلامی را کوتاه می‌کند، شک نکنید حتی اگر به نیت تقویت نظام باشند. پانصد تا آدم می‌گیریم اگر پنجاه تا از این آدم‌ها بی‌گناه باشند این پنجاه نفر نفرت و کینه را از رهبری، از نظام، از دین و از رنگ این لباس با خودش می‌برد به خانه و این نفرت را به کل بچه‌ها و طایفه‌اش منتقل می‌کند. هر جا ببیند که یک نیروی انتظامی در درگیری است او هم بر سر نیروی انتظامی می‌زند. چون او پنج سال پیش از این لباس این خاطره بد را پیدا کرده است الان زمینه بروز پیدا می‌کند.

آدم‌هایی که بیخودی دستگیر می‌کنیم، آدم‌هایی که با کفش برای موارد مختلف وارد خانه‌هایشان می‌شویم، بچه‌های کوچک گریه و داد و بیداد می‌کنند در این موارد که خیلی مهم هست و باید برخورد هم بشود نمی‌ارزد به این که ما چهار تا آدم را ضد انقلابی درست کنیم. می‌خواهیم برویم خیلی مودب و درست برویم. پلیس بعضی از کشورهای اروپایی را دیده‌ام که یک احترام نظامی بسیار مودبانه‌ای برای

آدم می‌گذارند و یکصد بوند هم قبض جریمه به آدم می‌دهند، ولی با احترام و ادب. لذا می‌خواهم تاکید کنم به خودم به عنوان کسی که به تذکرات نیازمند هستم و به شما سرورانم، عزیزانم که به شدت به همکاری شما نیاز مندیم و به جد به شما اعتماد داریم که واقعا معتقدیم با ادب و همکاری شما کار ما با سامان خواهد بود اما زمانی می‌توانیم این بار را به خیر به مقصد برسانیم که این اصول را کاملا مدنظر قرار داشته باشیم و حقوق مردم را جدا و از صمیم قلب محترم بشماریم و امیدوارم که این جلسات و کلاس‌ها یک بازنگری در مسائل باشد و خیرش را مردم و نظام و شهدا ببینند و به اجرای عدالت کمک کند. همه‌تان را به خدای بزرگ می‌سپارم و برای همه‌تان آرزوی موفقیت دارم. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

سر قاضی کلاه می‌گذارند و پرونده‌سازی می‌کنند، بعضی‌هایشان با بعضی قضات ارتباط دارند. این چیزهایی است که به ما نسبت می‌دهند چه بسا ۹۵ درصد آن هم حرف مفت باشد اما همان ۵ درصد هم برای ما زیاد است، در این حکومتی که ما می‌گوییم اساس دین خدا و پیغمبر است زیاد است. اگر جمهوری، جمهوری دموکراسی و مشروطه بود خیلی برای ما مهم نبود. اینجا دیگر به دین بر نمی‌خورد اما ما مدام می‌گوییم دین خدا و پیغمبر و ولایت لذا جهت گیری کلی ما در دستگاه قضائی و دستگاه انتظامی و رای این کاری که انجام می‌دهیم به نظر من باید تقویت اعتماد عمومی و رفع سوءظن‌ها باشد چون نفس این کار سوءظن بردار است. حتی من درجایی دیده‌ام که خود پیغمبر (ص) حکمیت و قضاوتی کرد که بعضی از کسانی که آنجا بودند قبول نکردند و گفتند: چون اینها قوم و خویش پیغمبر بودند این چنین رأی داد. یعنی نسبت به پیغمبر خدا (ص) خیلی راحت از این نسبت‌ها می‌دادند چه برسد به ما انسان‌های عادی و متعارف. مقتضای این کار این است که مردم به ما سوءظن دارند. هر حرکتی، هر رفتاری، هر نگاهی، هر نحوه ابلاغی، هر گرم گرفتگی یا نگرفتگی با یکی از طرفین، این سوءظن را تقویت می‌کند و تبدیل به باور می‌کند. حافظه تاریخی ملت ایران هم نسبت به حاکمیت‌ها طوری است که بدگمانند. یک حکومتی آمده است که بالاخره وضع مردمی بودن و این مسائل را دارد، نوعا بین مردم و حکومت‌ها فاصله، بدگمانی و سوءظن بوده، این به صورت تاریخی منتقل شده است یک حالت مدیرستیزی، حکومت‌ستیزی، حتی در تشکیلات خودتان هم هست. اگر شما آدم بسیار متدین و خوبی هم باشی اگر قدری به یک شخص کمک کردی و به دیگری نکردی بر چسب می‌زنند و متلک می‌گویند حالا جزو او یا بزرگ و بسیار متدین هم باشی چون فرمانده هستی افراد حساسند رئیس دادگستری هم همین طور هست. تحقیر می‌کنند. اینها در کشور ما یکسری ریشه‌های تاریخی دارد. مثلا مردم ما از نظر تاریخی از سرمایه متفردند. از آدم پولدار بدشان می‌آید، از قدرت بدشان می‌آید، نسبت به قدرتمندان موضع دارند تا این جا بیافتد که قدرتمند شاید مسیرش حق یا باطل باشد و یا ضد یا در مسیر خداوند باشد اینها متفاوت است. زمان این مسائل را حل می‌کند.

من می‌خواهم از آقای زندی و دوستانی که در این جلسات مزاحمشان می‌شویم استدعا کنم کلاس‌های آموزشی تجلی‌اش در عملکرد مشاهده بشود یعنی باید کاملا جنبه اجرایی داشته باشد. ما واقعا برای قضات و همه مسئولین لازم است کلاس بگذاریم که با مردم چگونه رفتار کنیم، با خودمان چگونه معاشرت کنیم، خیلی‌هایمان نمی‌دانیم.

بعضی‌ها هستند که از نظر علمی در سطح بالایی هستند ولی آداب معاشرت را نمی‌دانند. ممکن است که استاد دانشگاه، رئیس دادگستری، رئیس کل باشد ولی نمی‌داند که با همکاران چگونه باید برخورد کند، با رئیس چگونه برخورد کند و با زیردست چگونه برخورد کند. اینها دو مقوله است: علم یک مقوله است و دانایی یک مقوله دیگر است. بصیرت یک مقوله دیگری است. بعضی‌ها را می‌بینی بسیار باسوادند ولی ادب ندارند. پست هم دارند ولی با ادب نیستند، آدم بدش می‌آید که با آنها معاشرت بکند. آن چیزی که ما الان بیشتر نیاز داریم این مسائل، آداب اجتماعی و برخوردهای اخلاقی است، راضی کردن دل مردم و امیدوار کردن مردم به دین خداست. اینها را ما در مسائل آموزشی مان بیشتر نیاز داریم. بسیاری از مردم ما اگر دقت کرده باشید درست راه رفتن را بلد نیستند. می‌بینید که استاد دانشگاه است و بلد نیست که راه برود. چراغ قرمز است راه می‌افتد و می‌رود. من استادی

